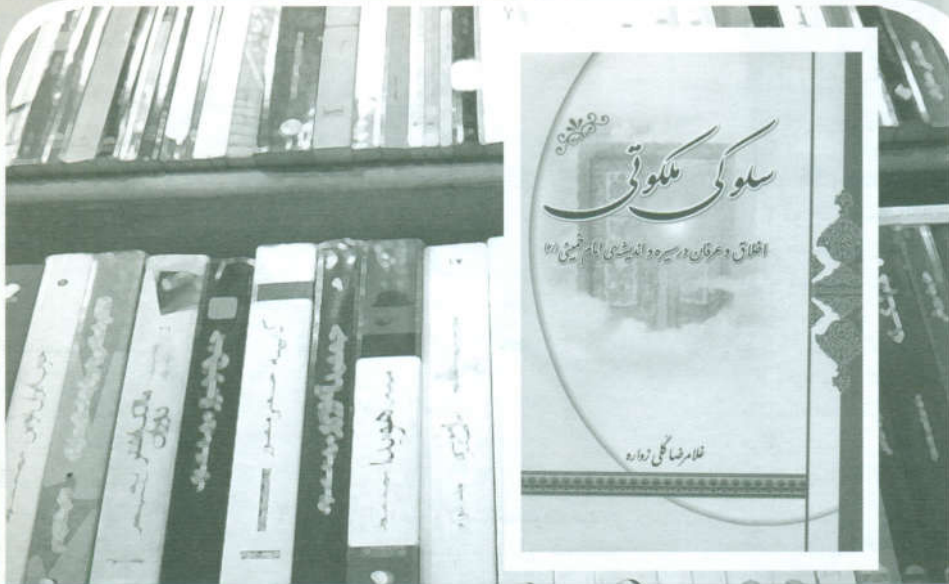




سلوک ملکوتی

مرتضی اهوز



فرصتی است تا پایه‌پای آفتاب، هم‌سفر روشنایی و نور شویم و شانه به شانه نسیم مهرورزی از گل‌های باغ خاطره گل احساس بچینیم و نفس به نفس بهار، حدیث شکفتن را زمزمه کنیم. از حقیقت همیشه زنده تاریخ، سخن‌ها بشنویم و دل در محبت آسمانی مردی نهیم که تاریخ را با نگاهش به حیرت واداشته است؛ خمینی بزرگ، این رهبر محبوب و عارف کبیر.

نویسنده این کتاب ضمن روایتی از زندگی امام خمینی از تولد تا رحلت، در کوچه باغ‌های خاطرات و سخنان آن عزیز گلگشت می‌زند و به فراخور، شاخه گلی خوش‌بو و نیکو را تقدیم چشمان گلپسند مخاطبان خویش می‌کند. این کتاب روایتی است از فروتنی و اخلاص، عشق و ارادت به ساحت مقدس اهل بیت، زهد و ساده‌زیستی، عبادت و بندگی خدا، نجابت و صلابت، توکل و توسل، بصیرت باطن و محبت و معرفت امام خمینی.

تلاش نویسنده همان‌طور که در مقدمه کتاب آورده، بررسی همه جانبه و دقیق اندیشه، زندگی و شخصیت امام است. او بر این باور است که این بررسی روشن می‌سازد که امام با احاطه‌ای کامل بر تفرنده‌های استعمارگران و با توجه به نگرش وسیع اسلامی خود همواره تلاش می‌کرد اسلام را به عنوان دین اداره زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها که رسالتی جهانی بر عهده دارد، مطرح کند. آن روح قدسی، کوشش‌های مداوم برای برهم زدن نقشه‌های سلطه‌گران جهانی، حاکم ساختن ارزش‌های الهی و آرمان‌های معنوی را وظیفه تمام مسلمانان می‌داند.

ایمان، اخلاص، فداکاری و وارستگی این رادمرد آن‌چنان منحصر به فرد و کم‌نظیر بود که پس از معصومان هیچ‌کسی را نمی‌توان با وی مقایسه کرد و آن‌چنان جامعیتی در ابعاد علمی، فکری، اخلاقی و عرفانی امام مشاهده می‌شود که می‌توان او را مصداقی بارز از انسان کامل نامید، همان خورشید درخشانی که با حرکتی سترگ به همگان ثابت کرد گام نهادن در مسیر فضل و فضیلت، فتح قلعه معنویت و مشاهدات ملکوتی تا حوالی مرزهای عصمت امکان‌پذیر است. اگر جامعه اسلامی می‌خواهد سعادت راستین و خوشبختی واقعی را در آغوش گیرد و به سوی رشد و بالندگی ارتقا یابد صلاحش در این است که به راهی که آن رهبر عظیم‌الشان فرا روی ما گشوده است گام نهد و در این مسیر

از هیچ نیرنگ و توطئه‌ای واهمه به دل راه ندهد.

✽

حسن ختام این سطرها، بارقه‌هایی است که این کتاب از نور سیره آن مرد ملکوتی برای دل چشم‌روشنی می‌آورد.

✽ امام خمینی از دوران کودکی دل به محبت خاندان عصمت سپرد، رفته‌رفته این عشق آتشین با معرفتی ژرف توأم گشت و اطاعت از فرامین ائمه را که در واقع اجرای دستورهای الهی بود، به همراه داشت. امام کوشید تا قسمتی از سیره اهل بیت را در زندگی خویش به نمایش بگذارد.

✽ تا صدای یاحسین بلند می‌شد، اشک می‌ریخت. با وجود آن که در برابر سایر مصائب صابر بود.

✽ تمام تلاش‌های امام خمینی بر محور حق و در جهت الهی و خوشنودی خداوند صورت می‌گرفت و همت والای خود را در این جهت به کار گرفت تا در مزرعه اعمال و رفتار خود، بذری جز حقیقت نکارد.

✽ امام در سلام کردن همواره بر دیگران پیشی می‌گرفتند، و کسی نمی‌توانست در سلام گفتن به ایشان سبقت بگیرد.

✽ امام خمینی خود را از دیگران جدا نمی‌دانستند. چون در مجلسی وارد می‌شدند هر جا که خالی بود می‌نشستند، همواره می‌کوشید هم‌چون سایرین روی زمین بنشینند و اگر آنها در زحمت هستند او هم با آنان شریک باشد.

✽ امام به کودکان می‌فرمود: من خدمتگذار شما بچه‌ها هستم، شما بچه‌های خود من هستید، به شما ارادت دارم، اخلاص دارم. محبت دارم.

✽ هنر امام این بود که مسایل معنوی و عرفانی را با شریعت ارتباط داد و این دو را با سیاست پیوند زد و راه رستگاری در دنیا و آخرت را در این ویژگی جست‌وجو نمود.

✽ امام با تحقق بخشیدن به فرهنگ عاشورایی، جامعه اسلامی و بلکه تمامی آزادی‌خواهان جهان را حیات عرفانی و حماسی بخشید.

✽ امام خمینی خورشید قیام در سپهر ولایت بود که آیات نجات و حیات را بر صحیفه سرخ فجر نگاشت. سمند انقلاب او تشکیلات کفر، شرک و نفاق را سرنگون ساخت و مردمان تشنه حق را از چنگال ظلمت رهانید و به دیار عزت رسانید.